

پسر خوبم، کلمات جا افتاده را از داخل ابر پیدا و در جای خالی بنویس.

احوال پرسی - گروه های - گفت و گو - پیشنهاد - کتاب خوب -
کمک - فکر - پاسخ - چگونه - کتاب خانه ی کوچک - چراغانی - امام
جماعت - همکاری - مسجد - شیرینی و شربت - با دقت - پیش نماز - نماز
خواندن - همیشه - لبخندی - طرف - آموزش - ماه مهر - نقاشی - بانظم

- ✓ در یکی از روزهای دانش آموزان، آرام و وارد کلاس شدند.
- ✓ آموزگار پس از سلام و، از بچه ها خواست در خود قرار بگیرند.
- ✓ بچه ها در گروه خود کردند و خود را روی برگه ای نوشتند.
- ✓ آموزگار گفت: «، مانند دوست خوب است که می تواند به ما خیلی کند».
- ✓ آموزگار گفت: «آفرین بر شما که خوب می کنید و به درستی می دهید».
- ✓ حالا فکر کنید می توانیم یک در کلاس داشته باشیم؟»
- ✓ مسجد شده بود. چند نفر هم به مردم می دادند.
- ✓ از همه ی کسانی که در ساختن کمک و کرده بودند، تشکر کرد.
- ✓ مهدی رو به مادرش کرد و گفت: «من به حرف های گوش دادم».
- ✓ من فکر می کردم مردم برای به مسجد می آیند.
- ✓ مسجد محله ی ما کلاس های قرآن،، رایانه و عکاسی دارد.
- ✓ مادر و پدر، به مهدی زدند و با هم به خانه رفتند.

باز خورد آموزگار:



موفق و پیروز باشید

خسروی